

Farsi: Into the Chaos

(Sermon by Cheryl Williams, preached at Footscray Baptist on Christmas Day, December 25th 2025, (Luke 2:1-20))

یک بارداری ناخواسته در نوجوانی، فرار سریع به تپه‌ها برای دیدار با پسر عمو، یک «پدر» که مطمئن نیست برای جلوگیری از رسوایی و رسوایی چه باید بکند، سفر اجباری به شهر دیگری درست زمانی که نوزاد قرار بود به دنیا بیاید زیرا قدرت اشغالگر خواستار شمارش همه مردم بود، شمارش برای اینکه بتوانند از آنها مالیات بگیرند در حالی که آنها تلاش می‌کردند اندازه امپراتوری خود را افزایش دهند، اتاق‌های خالی وجود نداشت، بنابراین مجبور بودند در غاری در پشت با حیوانات بمانند، زایمانی با کمک کم - بدون ماما، بدون خویشاوند زن برای کمک، به اشتراک گذاشتن فضا با حیوانات و سپس اولین بازدیدکنندگان از غیرمنتظره‌ترین نوع - چوپانانی که با گوسفندان خود در تپه‌ها زندگی می‌کنند، بیگانگان، به خصوص دوست داشتنی نیستند و ظاهراً سعی می‌کنند از شرکت در سرشماری اجتناب کنند. هرج و مرج مطلق.

و ما سرود می‌خوانیم - شب ساکت، شب مقدس، همه چیز آرام است، همه چیز روشن است. فکر نمی‌کنم بنابراین.

گاوها ناله می‌کنند، نوزاد بیدار می‌شود و هیچ گریه‌ای نمی‌کند. من فکر نمی‌کنم.

تولد عیسی در بحبوحه هرج و مرج کامل اتفاق می‌افتد.

اگر قرار بود عیسی امروز به دنیا بیاید، در هرج و مرج مشابهی رخ می‌داد. در واقع اگر قرار بود عیسی امروز به دنیا بیاید، احتمالاً اصلاً در بیت لحم به دنیا نمی‌آمد، به احتمال زیاد در ایست بازرسی متولد می‌شد زیرا بعید بود خانواده‌اش اجازه ورود به بیت لحم را داشته باشند. اگر به تصویر روی صفحه نگاه کنید، آخوری را خواهید دید که با کاه احاطه شده است. اگر با دقت بیشتری نگاه کنید، دیوار و سیمی را خواهید دید که بیت لحم را احاطه کرده است، به این معنی که مردم برای عبور باید از ایست‌های بازرسی عبور کنند، ایست‌های بازرسی که توسط نیروهای اشغالگر در آنجا قرار داده شده است.

وقتی به امسال نگاه می‌کنم، احساس هرج و مرج می‌کنم. جنگ‌ها ادامه دارند، حتی در بحبوحه آتش‌بس‌ها، کشتار ادامه دارد، ما همین حدود یک هفته پیش حمله تروریستی خودمان را در سیدنی داشتیم، در مورد هوش مصنوعی و آنچه می‌تواند و نمی‌تواند انجام دهد و اینکه چگونه گاهی اوقات کارها را اشتباه انجام می‌دهد، قحطی در بسیاری از ... مکان‌ها، تعداد افراد نیازمند همچنان در حال افزایش است، ما هر هفته شاهد صف کشیدن بیش از ۱۲۰ نفر برای دریافت غذای رایگان هستیم. ما شاهد طوفان‌ها و گردبادهایی در منطقه خود بوده‌ایم که قبلاً هرگز سابقه نداشته است، به نظر می‌رسد قیمت خانه‌ها از دسترس جوانان ما خارج شده است و چیزی که من به شدت احساس می‌کنم این است که به نظر می‌رسد دموکراسی در حال سقوط است، زیرا برخی در جهان سعی می‌کنند بر هر کشوری تأثیر بگذارند. برخی حتی فکر می‌کنند که باید جایزه صلح نوبل را برای متوقف کردن جنگ‌هایی که در واقع هنوز هم ادامه دارند و ونزوئلایی‌ها را می‌کشند و بخش‌هایی از خاورمیانه را بمباران می‌کنند، دریافت کنند. ما نیز در دوران پر هرج و مرجی زندگی می‌کنیم.

داستان کریسمس به ما یادآوری می‌کند که خدا در میان هرج و مرج وارد می‌شود. مسیح در میان هرج و مرج متولد می‌شود. مسیح در حاشیه، در غیرمنتظره‌ترین مکان و در محاصره غیرمنتظره‌ترین افراد متولد می‌شود. این تولد لحظه‌ای شیرین و دوست‌داشتنی نیست؛ این پیام را به مردم می‌فرستد که عشق خدا از طریق افراد در حاشیه به جهان می‌رسد. او در کاخی که با تمام کمکی که می‌توان خواست احاطه

شده است، احاطه شده است، متولد نمی‌شود، نه، او در غاری بو که توسط حیوانات و غریبه‌ها احاطه شده است، متولد می‌شود. پادشاه صلح می‌آید برای ما، آسیب‌پذیری مطلق. این تولد، چه اکنون و چه در آن زمان، چالشی اساسی برای وضع موجود است. در هفته آینده یا بیشتر، درباره چرخش خطرناک اوضاع خواهیم خواند، زمانی که این خانواده مجبور به فرار از خانه خود می‌شوند، زیرا هدف یک پادشاه خشمگین قرار می‌گیرند که با شیوه‌ای متفاوت از عملکرد تهدید می‌شود. تهدید شده توسط کسی که صلح و عدالت را برای همه، نه فقط قدرتمندان، به ارمغان می‌آورد. این تولدی که بیش از ۲۰۰۰ سال جشن گرفته‌ایم، ابتدا توسط گروهی از چوپانان بی‌نام و نشان جشن گرفته می‌شود. چوپانانی که دور از بقیه جامعه در تپه‌ها زندگی می‌کردند، چوپانانی که به خودشان می‌رسیدند و به سادگی خود را با حیواناتشان احاطه می‌کردند. چوپانان در جامعه، در پایین‌ترین سطح اجتماعی، طرد شده بودند، به همین دلیل در شهر زندگی نمی‌کردند. پیام آنچه تازه اتفاق افتاده است به آنها داده می‌شود و همه چیز را فراموش می‌کنند و می‌دوند تا ببینند آیا پیام درست است یا خیر.

خدا نه تنها در میان هرج و مرج می‌آید، بلکه به بیگانگان نیز این پیام سپرده می‌شود. این چوپانان بی‌نام و نشان هستند که ابتدا به ... اعلام می‌کنند. چه اتفاقی برای جهان پهناور افتاده است؟ اینکه خدا برای آوردن امید، صلح، شادی و عشق به سوی قومش آمده است. در بحبوحه هرج و مرج، اشغال و کنترل سیاسی، خدا می‌آید و در بحبوحه ترس شادی می‌آورد، در بحبوحه غم و اندوه امید می‌آورد، در جایی که صلح نیست صلح می‌آورد، برای کسانی که در حاشیه هستند عشق می‌آورد، برای همه عشق می‌آورد. امید در بحبوحه ناامیدی، صلح در بحبوحه درگیری، شادی وقتی همه چیز خیلی سخت به نظر می‌رسد و عشقی که به همه، صرف نظر از اینکه چه کسی هستند، گسترش می‌یابد. این خدایی است که ما او را ستایش می‌کنیم؛ این خدایی است که ما او را می‌پرستیم، این خدایی است که ما سعی می‌کنیم از او پیروی کنیم. کریسمس مبارک، باشد که همه شما امروز و در سال نو امید، صلح، عشق و شادی را تجربه کنید. آمین.